

فرهنگ نامه تاریخی مفاهیم فلسفه

سروراستاران

یوآخیم ریتز - کارل فرید گروندر - گتفرید گابریل

جلد سوم: فلسفه اخلاق

ویراستاران

محمد رضا حسینی بهشتی

بهمن پازوکی

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

و

مؤسسه فرهنگی - پژوهشی نوارغنون

تهران ۱۳۹۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
أ.....	مقدمه.....
١.....	آداب اخلاقی.....
	و. کرستینگ W. Kersting / سید محمدرضا حسینی بهشتی
١٠.....	آزادی.....
	و. وارناخ W. Warnach؛ أ. ه. پش O. H. Pesch؛ ر. شیمان R. Spaemann / سید محمدرضا حسینی بهشتی
٤٤.....	آموزه تکالیف.....
	و. کرستینگ W. Kersting / احمد رجبی
٤٧.....	آموزه خیرها، علم اخلاق مبتنی بر خیرها.....
	س. فیشتل S. Fichtel / احمد رجبی
٤٩.....	آموزه فضیلت.....
	ی. ک. مرله J.-Ch. Merle / احمد رجبی
٥٢.....	اُنس.....
	گ. فونکه G. Funke؛ ه. راینر H. Reiner / سید محمدرضا حسینی بهشتی
٥٦.....	احترام.....
	د. میسگلد D. Misgeld / سید محمدرضا حسینی بهشتی
٥٨.....	اخلاق.....
	ی. ریتز Ritter؛ ر. رمبرگ R. Romberg؛ آنه‌ماری پیپر Annemarie Pieper / سید محمدرضا حسینی بهشتی
١٠٦.....	اخلاق باز، اخلاق بسته.....
	پ. گرسن P. Gorsen / فرزین بانکی، احمدعلی حیدری
١٠٩.....	اخلاق دو گانه.....
	آ. هوگلی A. Hügli / فرزین بانکی، احمدعلی حیدری
١١١.....	اخلاق سوسیالیستی.....
	ه. ی. زتد کوهر H. J. Sandkühler / فرزین بانکی، احمدعلی حیدری

- ۱۱۳ اخلاق عرفی، آموزه آداب اخلاقی. / W. Kersting / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۱۲۹ اخلاق مبتنی بر الهیات. / R. Hauser / احمد رجیبی
- ۱۳۱ اخلاق مبتنی بر تکلیف، اخلاق تکلیف شناسانه. / W. Kersting / احمد رجیبی
- ۱۳۳ اخلاق موقت. / R. Spaemann / فرزین بانکی، احمدعلی حیدری
- ۱۳۵ اخلاق، اخلاقی، فلسفه اخلاقی. / G. Jüssen؛ گ. ویلاند؛ G. Wieland؛ ر. ت. کالدرا؛ R. T. Caldera؛ ی. ل. دلْمُن - موری؛ J. L. Delmont-Mauri؛ E. Heymann؛ ف. ریتز؛ F. Ritter؛ هیأت تحریریه. / Red. / فرزین بانکی، احمدعلی حیدری
- ۱۵۴ اخلاق گرا، اخلاق گرای. / G. Lamsfuss / فرزین بانکی، احمدعلی حیدری
- ۱۵۸ اخلاقی. / H. Reiner؛ گ. فونکه؛ G. Funke / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۱۶۱ اخلاقی بودن، اخلاق عرفی. / G. Bien / فرزین بانکی، احمدعلی حیدری
- ۱۶۹ اخلاقی بودن، قانونی بودن. / L. Samson / فرزین بانکی، احمدعلی حیدری
- ۱۷۴ اراده. / Ch. Horn؛ ت. آ. راملو؛ T.-A. Ramelow؛ ه. هون؛ H. Hühn؛ گ. گابریل؛ G. Gabriel؛ س. شلوتر؛ S. Schlotter؛ ن. رافلی؛ N. Roughley / فریده فرودفر
- ۲۰۷ اراده خوب. / R. Glitza / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۲۰۹ اراده گزارفی. / Red. / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۲۱۲ اراده معطوف به قدرت. / C. Althaus / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۲۱۵ اصالت خودقانون گذاری. / Red. / سید محمدرضا حسینی بهشتی

- ۲۱۶ تکالیف
آ. هوگلی / A. Hügli / احمد رجبی
- ۲۳۲ تکالیف نا کامل، تکالیف کامل
و. کرستینگ / W. Kersting / احمد رجبی
- ۲۳۸ تکالیف
و. کرستینگ / W. Kersting / احمد رجبی
- ۲۶۷ تکالیف گرای
ه. فارنباخ / H. Fahrenbach / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۲۶۸ خوب، خیر، متاع
ه. رایئر / H. Reiner؛ آ. لُشر / A. Locher؛ ک. ریزنهور / K. Riesenhuber؛ و. بارتوشات / W. Bartuschat / احمد رجبی
- ۳۰۴ خوبی
ر. هاوژر / R. Hauser / احمد رجبی
- ۳۰۶ خودقانون گذاری
ر. پُلْمَن / R. Pohlmann / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۳۲۵ خیر اعلی
ر. شِمان / R. Spaemann / احمد رجبی
- ۳۲۹ ضعف اراده
آ. هوگلی / A. Hügli / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۳۳۸ فرونسیس
س. ی. رُوِه / C. J. Rowe / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۳۴۲ فضیلت
پ. شتَمَر / P. Stemmer؛ ر. شونبرگر / R. Schönberger؛ ا. هوفِه / O. Hoffe؛ ک. رَپ / Ch. Rapp / احمد رجبی
- ۳۸۰ قوه میل
ی. آرتس / J. Arntz / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۳۸۱ موجب بودن (جبر)، ناموجب بودن (اختیار)
ر. کوهلن / R. Kuhlen؛ ک. زایدل / Ch. Seidel؛ ن. تسویوپولس / N. Tsouyopoulos؛ گ. فری / G. Frey / پرستو خانابانی
- ۳۸۸ میل
ک. ه. نوسر / K.-H. Nusser؛ و. شیرماخِر / W. Shirmacher / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۳۹۴ میل، شهوت طبیعی
ه. فریدریش / H. Friedrich / سید محمدرضا حسینی بهشتی

۳۹۶	نظام اخلاقی
		ی. کلاین J. Klein / فرزین بانکی، احمدعلی حیدری
۴۰۳	اختصارات
۴۰۸	کتاب‌ها و مقالات
۴۱۶	واژه‌نامه‌ها
۴۱۶	واژه‌نامه آلمانی / فارسی
۴۳۴	واژه‌نامه یونانی / فارسی
۴۳۸	واژه‌نامه لاتینی / فارسی
۴۴۷	واژه‌نامه فرانسه / فارسی
۴۴۸	واژه‌نامه انگلیسی / فارسی
۴۵۲	واژه‌نامه ایتالیایی / فارسی
۴۵۳	اعلام

مقدمه

گزیده مفاهیم فلسفه اخلاق، سومین جلد از فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه است که به‌اهتمام مؤسسه فرهنگی- پژوهشی نو ارغنون و سفارش مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به‌زیور طبع آراسته گردیده و در اختیار پژوهشگران و خوانندگان ارجمند قرار گرفته است. براساس فهرست این فرهنگ‌نامه که در جلد سیزدهم آن در سال ۲۰۰۷ م. منتشر شده، از میان ۳۷۱۲ مدخل ارائه شده در این فرهنگ‌نامه، ۳۲۲ مدخل آن به تاریخ تطور مفاهیم فلسفی در حوزه اخلاق اختصاص یافته است. برپایه توافقی که پس از ارزیابی و تبادل نظر میان مؤسسه فرهنگی- پژوهشی نو ارغنون و شورای پژوهشی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران حاصل شد، برگردان ۴۱ مدخل در این حوزه در دستور کار قرار گرفت و مراحل گوناگون ترجمه را پشت‌سر گذارد. در مجلدات پیش، فرآیند چندمرحله‌ای برگردان، مقابله، ویرایش علمی، ویرایش ادبی و تهیه فهرست‌ها برای این مجموعه به‌اختصار توصیف شد.

ضرورت آشنایی با مفاهیم فلسفی در حوزه اخلاق و تطورات تاریخی آنها در فضای اندیشه‌ورزی کشورمان، انگیزه مضاعفی شد تا این مسیر دشوار طی گردد و دست‌کم در محدوده مدخل‌های برگزیده، حاصل کار پژوهشی کم‌نظیر محققان و نگارندگان آن به‌عنوان منبعی برای آشنایی و الگویی برای کارهای پژوهشی مشابه در کشور، پیش‌روی پژوهشگران قرار گیرد. با رجوع به تاریخ سنت اندیشه فلسفی در عالم اسلامی و ایران، خلأ منابعی که به‌نحو بنیادینی از دیدگاه نظری و فلسفی به مفاهیم بنیادین اخلاق پردازد، چشمگیر است. در مقایسه با انبوه منابعی که در مغرب‌زمین به‌ویژه، در سده‌های اخیر به بررسی فلسفی حوزه اخلاق پرداخته و میدان‌های نو بسیاری را درنوردیده‌اند، باید گفت که این رشته از فلسفه در مجموع همچنان تحت‌الشعاع مباحث مربوط به عقل‌نظری، یعنی مابعدالطبیعه، هستی‌شناسی و نظایر آن است. کم‌توجهی به فلسفه اخلاق، آن‌هم طی سده‌های متمادی در سنت فلسفی ما یقیناً بی‌دلیل نیست و خود نیاز به تحلیلی همه‌جانبه دارد. البته این بدان معنا نیست که در این سنت، مباحث اخلاقی در قالب آثار متعددی شامل پندها و اندرزها و نصیحت فرمانروایان نگاشته نشده باشد. به‌علاوه، در حوزه «علم اخلاق» نیز کم‌وبیش منابع

قابل توجهی به‌رشته‌ی تحریر درآمده است. همچنین، در این سنت در «فلسفه اخلاق» با تألیفات از جانب برخی فیلسوفان روبه‌رویم.

تفاوت چشمگیر در پرداختن به مباحث نظری فلسفی در حوزه اخلاق، در مقایسه با برنامه‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشورمان با آنچه طی چند سده اخیر در مغرب‌زمین متداول است، بارزتر می‌شود. درحالی‌که فلسفه اخلاق در آنجا با گرایش‌های گوناگون، کوشش‌های بلیغی برای مواجهه با پرسش‌های فلسفی در خصوص اخلاق داشته و تلاش کرده است تا برای این مسائل که همان مسائل زندگی‌اند، پاسخ‌هایی فراخور پیدا کند، این پیوند تنگاتنگ با زندگی و نیز نشاط فکری برآمده از تلاش پیگیر اندیشه‌ورزی فلسفی در فضای آموزش و پژوهش آکادمیک در مراکز آموزش و پژوهشی و نیز مدارس حوزوی ما کمتر به چشم می‌خورد. در طی چند سال اخیر، برخی از آثار اندیشمندان مغرب‌زمین در حوزه فلسفه اخلاق به فارسی برگردانده شده‌اند. در بسیاری از این برگردان‌ها به دلیل آشنایی ناکافی مترجمان و یا عدم امکان تکیه آنها بر یک سنت دیرینه با مفاهیم و اصطلاحات دقیق و منقح، آشفتگی‌هایی ملاحظه می‌شود که موانعی را بر سر راه فهم خوانندگان پدید می‌آورد. از این‌رو، اصطلاحات جاری در فلسفه عملی در زبان فارسی در مقایسه با فلسفه نظری، نیاز به تثبیت و تدقیق بیشتری دارند و مدخل‌های این جلد می‌توانند با نظر به ارائه تاریخی و تطور مفاهیم و معانی گوناگونی که این اصطلاحات پیدا کرده‌اند، در محدوده خود در چنین اقدام مهمی مؤثر واقع شوند. ناگفته پیداست که تحقیقی روشمند با همین شیوه در خصوص میراث سنت فلسفی ما، وظیفه‌ای سنگین و ضروری است که پژوهشگران و صاحبان نظر در کشورمان پیش‌روی دارند.

متن فرهنگ‌نامه، علائم اختصاری و شیوه ارجاع دقیقی دارد که در مقدمه‌های دو جلد پیشین به تفصیل به آنها اشاره شده است. سه فهرست کتاب‌ها و مقالات، واژه‌نامه‌های آلمانی، یونانی، لاتینی، فرانسه، انگلیسی و ایتالیایی و اعلام می‌توانند کمک مؤثری برای بازیابی دقیق‌تر مطالب در متن آلمانی و نیز برگردان فارسی آن باشند.

قدردانی

مطابق توافق‌های پیشین، جلد حاضر آخرین مجلد از برگردان مدخل‌های برگزیده در حوزه‌های هنر، الهیات و اخلاق است که به‌اهتمام مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران منتشر می‌شود. این در حالی است که گزیده‌ای از مدخل‌های این فرهنگ‌نامه در حوزه مابعدالطبیعه به‌اهتمام سازمان مطالعات و تدوین کتب درسی (سمت) برگردانده شده که جلد نخست آن در سال ۱۳۸۷ و جلد دوم آن در سال ۱۳۹۳ منتشر شده و سومین جلد آن

نیز در دست انتشار است. بی تردید پشتیبانی صمیمانه هردوی این مراکز در امکان تحقق یافتن چنین کار دشواری، نقشی به سزا داشته است و شایسته قدردانی فراوان است.

در برگردان مدخل‌های جلد کنونی از همکاری مترجمان ارجمند، سرکار خانم دکتر پرستو خانبانی و دکتر فریده فرنودفر و آقایان دکتر فرزین بانکی، دکتر احمدعلی حیدری، دکتر سید محمدرضا حسینی بهشتی و احمد رجبی برخوردار بوده‌ایم که از زحمات یکایک ایشان سپاسگزاریم.

جناب آقای دکتر بهمن پازوکی، استاد محترم و ناظر مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با صرف وقت و حضور پیوسته خود در گروه ویرایش، برگردان فارسی را با متن اصلی آلمانی تطبیق داده و نظرات پیشنهادی و اصلاحی خود را ارائه کرده‌اند.

سرکار خانم زینب فرخنده‌زاده علاوه بر همکاری در گروه ویرایش، کارهای رایانه‌ای، جستجو، غلط‌گیری نهایی، صفحه‌بندی و تهیه فهرست‌ها را برعهده داشته‌اند.

به‌علاوه، جا دارد از مدیریت محترم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و به‌ویژه، معاونت محترم پژوهشی آن مؤسسه، سرکار خانم دکتر شهین اعوانی که در طی چند سال با علاقمندی و دلسوزی این کار را پیگیری کرده‌اند، نهایت سپاسگزاری خود را ابراز داریم.

بار دیگر از تمامی اساتید فاضل، پژوهشگران و علاقمندانی که با پیشنهادها و به‌ویژه، انتقادهای عالمانه خود، ما را در بهبود کار یاری نموده و در رفع کاستی‌ها نقشی مؤثر ایفا کرده‌اند، تشکر می‌کنیم.

موسسه پژوهشی فرهنگی نو ارغنون

تابستان ۱۳۹۴

اثبات فلسفه نظری جدا می‌شود. بدین ترتیب، استقلال و تحویل‌ناپذیری دانش عملی - اخلاقی درباره آنچه صحیح است، پایه‌گذاری می‌شود [۵]. افراد در مقام شهروند خوب، هنگامی درست عمل می‌کنند که خود را به الگوهای عمل مجاز در نهادها، قوانین و آداب اخلاقی دولت‌شهر عادت دهند، قواعد تبلور یافته در نهادها برای آنان به عادت‌های راسخ مبدل شوند و به "کارآمدی اخلاقی" دست یابند. ارسطو به صراحت، توجه ما را به این پیوند میان امر اخلاقی و عادت جلب می‌کند. "فضیلت‌های اخلاقی" حاصل عادت‌اند. از این رو، نام ائس [ethisch] برگرفته از [ēthos] را داریم که با اندک تغییری از مفهوم ائس [ēthos] به معنای عادت مشتق می‌شود [۶]. در فهم ارسطو از امر اخلاقی، دو سطح از معنا به هم می‌پیوندند که می‌توان میان آنها به منزله دو معنای $\eta\theta\omicron\varsigma$ و $\epsilon\theta\omicron\varsigma$ از واژه Sitte [= آداب اخلاقی - م.] فرق گذارد. نخستین معنا، حاوی فهمی فرافردی و نهادین از Sitte است و آن را به منزله نوعی تعیین معیار اجتماعی برای عمل تلقی می‌کند. معنای دوم، بر جنبه‌ای از آداب اخلاقی تأکید می‌ورزد که به فاعل و وجهه روان‌شناختی فعل بازمی‌گردد، یعنی عادت راسخ در انجام فعل یا همان ملکه^۱. در فرآیند تربیت، هر دوی اینها با هم عمل می‌کنند. تربیت از دیدگاه ارسطو، عادت‌دادن غایت‌مند خویش به کار صحیح است که در عرصه خصوصی و نیز در عرصه عمومی از طریق "عادات منزل" و "قوانین و آداب اخلاقی دولت‌شهر"^۲ حاصل می‌شود (در دولت‌شهرها، قانون و آداب قدرتمندند، همچنانکه در منازل، فرامین پدران و عادات)^۳ [۷]. تربیت مدنی، انسان‌ها را آماده حیات مدنی^۴ می‌سازد، یعنی برای مشارکت فعال در زندگی مشترکی که از طریق نهادها، قوانین و آداب اخلاقی شکل گرفته است. این تربیت، انسان‌ها را برای گذران زندگی سعادت‌مند و موفق در جامعه کارآمد می‌سازد؛ بدین ترتیب که در آنها نحوه برخورد و مهارت‌های استوار و عاداتی راسخ در فعل و در نگرش می‌پروراند.

آداب اخلاقی^۱

اصطلاح $\eta\theta\omicron\varsigma$ که همانند Sitte و consuetus به لحاظ ریشه‌شناختی به ریشه هندوژرمن sueth- بازمی‌گردد، در اصل به معنای رابطه محل سکونی و عادات و شیوه‌های زندگی است که در آن محل حاکم است [۱]. دامنه این اصطلاح در دیرینه‌ترین متون یونانی به لحاظ معنا، بسیار فراتر از تفسیق آن در نظریه ارزش‌ها به آداب اخلاقی و رسوم است و به لحاظ ادبیات، به یکسان زیست‌بوم انسانی و حیوانی را دربرمی‌گیرد [۲]. نظام ائس^۲ برخلاف $\nu\omicron\mu\omicron\varsigma$ [= نوموس - م.] اجتماع‌دارای ساختار مدنی از دایره اراده انسان بیرون است و در اختیار او نیست [۳]. این نظام، صورتی از حیات است که پیش‌رو می‌یابیم و شامل عادات افعال، داوری‌ها، طرز نگرش‌ها و الگوهای تفسیری و دارای اعتباری بی‌چون و چراست. ائس به عنوان "آداب بزرگتران"^۴ [۴] ادعای اعتبار دارد، زیرا همواره از پیش معتبر بوده و قبل از هر گونه تأملی مقبولیت یافته است. تعلق داشتن به یک جامعه، منوط به سهیم بودن در ائسی است که افراد جامعه براساس آن با یکدیگر مفاهمه دارند. کسی که در این جامعه رشد می‌کند و نیز آنکه بدان ملحق می‌شود، این ائس را از آن خود می‌سازد و بدین ترتیب، هر دوی آنان اعضاء جامعه‌ای زیستی می‌شوند که آن را پیش‌رو می‌یابند. آداب اخلاقی به معنای اخص کلمه، خصوصیتی اخلاقی است که اولاً همچون رسم، قرارداد و تبار، ثانیاً همچون قلمرو فضیلت‌ها و شیوه‌های درست و مقبول رفتار و ثالثاً همچون نهادهای اجتماعی و سیاسی جزو ائس به‌شمار می‌روند.

ارسطو این فهم از ائس را مبنای فلسفه عملی خود قرار داده است که در مقام نظریه‌ای در باب امور انسانی و تفسیر فلسفی ساختار نهادین سیاست عامه^۵ از معیارهای توصیف و

1. Sitte
2. Ethos-Ordnung
3. mos maiorum
4. κοινωνία πολιτική
5. sittliche Tüchtigkeit
6. das Ethische
7. Gewöhnung
8. ethische Tugend
9. ἡ δ' ἠθικὴ [ἀρετὴ] ἐξ ἔθους περιγίνεται, ὅθεν καὶ τὸ νόμιμα ἐσχῆκε μικρὸν παρεκκλίνον ἀπὸ τοῦ ἔθους
10. Habitus
11. Gewohnheiten des Hauses
12. Gesetze und Sitten der Polis
13. ὥσπερ ἐν ταῖς πόλεσιν ἐπισχύει τὰ νόμιμα καὶ τὰ ἤθη, οὕτω καὶ ἐν οἰκίαις οἱ πατρικοὶ λόγοι καὶ τὰ ἔθη
14. βίος πολιτικός

اقوام^{۱۱} به میان می‌آورد [۱۵]. اما از سوی دیگر، بدین ترتیب، معیاربودن آداب اخلاقی در درون جوامع و عادت پدیدآمده در افراد از طریق درونی شدن آنها که مقتضای قانون مبتنی بر آداب اخلاقی و عقل است، می‌توانند در تقابل با یکدیگر قرار گیرند. توماس آکوینی عادت بر فعلی را که پایه در آداب داشته باشد، به دلیل خصوصیت‌گزینشی ماقبل تأملی آن، "میلی طبیعی یا شبه طبیعی برای انجام کاری می‌داند"^{۱۶} [۱۶]. این میل، فی‌نفسه ناوابسته به اخلاق است و از این‌رو، به یکسان می‌تواند هم به سود نیکوکار عمل کند و هم به سود بدکار. بنابراین، در خصوص چنین "عادت‌های باید بنا را بر امکان عادت‌های خوب یا بد در میلی ملازم یا مخالف با عقل"^{۱۷} گذارد [۱۷].

در نظریه ک. توماسیوس در باب اخلاقی‌بودن، مفهوم آداب اخلاقی معنایی خاص پیدا می‌کند. توماسیوس سنت ارسطو در زمینه اُنس را دنبال نمی‌کند، اما آداب اخلاقی را نیز به عادات قائم به فاعل فعل تحویل نمی‌برد. آداب اخلاقی از دیدگاه او، "اصول نزاکت"^{۱۸} اند؛ قواعدی برای نزاکت اجتماعی و این قواعد، در علم "سیاست"^{۱۹} مورد بحث قرار می‌گیرند، یعنی باید آنها را اصولی برای رفتار خردمندان در جامعه بدانیم [۱۸]. او به صراحت، "نزاکت"^{۱۵} را در کنار "عدالت"^{۱۶} و "صداقت"^{۱۷} به عنوان سومین حوزه مستقل ارزش‌ها در فلسفه عملی مطرح می‌کند [۱۹]. "قواعد نزاکت"^{۱۸}، همانند "قواعد صداقت"^{۱۷} و "قواعد عدالت"^{۱۶}، در خدمت کوشش انسان برای رسیدن به سعادت است. این قواعد، همچون قواعد حقوق و اخلاق باید شهوات را به‌انقیاد در آورند، مجموعه انفعالات را نظم بخشند و بدین ترتیب، شرایط بنیادین سعادت فردی را تضمین کنند [۲۰]. به همین نسبت که مفهوم سیاست نزد توماسیوس با فهم از سیاست در اندیشه ارسطو فاصله دارد، "نزاکت" (decorum) نیز یادآور *ἡθος* ارسطویی نیست؛ هرچند "نزاکت" (decorum) نیز عناصر نهادینه‌ای دارد، اما توماسیوس آداب اخلاقی را جزء

در نظام حقوقی روم، "حقوق"^۱ و "آداب اخلاقی"^۲ با یکدیگر پیوند تنگاتنگی دارند [۸]. "آداب بزرگ‌تران" (mos maiorum) یا "تبار خوب نیاکان" [۹]، جهت‌گیری الزام‌آوری را برای فعل پدید می‌آورد و درعین حال، منشأ مشروعیت روال‌های حقوقی تثبیت‌شده‌ای را شکل می‌دهد که قدمت بسیار دارند. حقوق‌دانان برای عادات راسخ، قوت اعتباری هم‌پای قوانین قائل می‌شوند که ریشه در اراده جمعی قوم دارد [۱۰]. با استناد به "آداب بزرگ‌تران" (mos maiorum) می‌توان حوزه فردی حقوق را محدود کرد؛ در جمهوری قدیم روم، "نظارت بر آداب"^۳، متصدی‌میزی آداب اخلاقی^۴ و نیز محاکمه‌پذیربودن تخطی از آداب اخلاقی^۵ را داریم که موجب مراعات عمومی آداب اخلاقی می‌شدند [۱۱]. ممیز از جمله، صلاحیت آن را داشت که نظارت خود را بر آداب اخلاقی و مالکیت افراد، اعمال و بر محدودشدن این مالکیت به نفع عامه مراقبت کند [۱۲].

با آغاز مباحثات فلسفی بر سر حقوق طبیعی، فلسفه عملی اتکاء خود در اخلاق فردی جامعه سیاسی را از دست داد؛ اجتماعی که هرچند برای کثیری از افراد، کارآمد بود، اما درعین حال، همگنی داشت؛ تعریفی از صواب اخلاقی که ملتزم به اُنس بود، جای خود را به بنیان‌گذاری صوابی داد که متکی به قانون اخلاقی فراگیر یا "قانون طبیعی"^۶ و "عقل راست"^۷ بود. بدین ترتیب، طرح فهمی تجربی-توصیفی از آداب اخلاقی، ممکن می‌شود که تعاریف ارسطو را از قید خوب یا بدبودن اخلاقی رها می‌سازد و آداب اخلاقی را به‌دیده‌افعالی می‌نگرد که از روی عادت صورت می‌گیرند و موجب قوام جامعه و پایداری آن می‌گردند. این فهم، "الزام‌آوربودن عام"^{۱۳} [۱۳] فعل از روی عادت را در مشروعیتی انضمامی پایه می‌گذارد که اعتبارش را از سنت دارد. از دیدگاه اولیسان، آداب اخلاقی پایه در "اجتماع تلویحی اقوام"^۸ دارد که "به‌واسطه عادت‌های دیرینه در افراد ریشه دوانده است"^۹ [۱۴]. ی. میکولیوس سخن از "عادات

- | | | | | |
|--|----------------|--|----------------------------------|---------------------------|
| 1. ius | 2. mores | 3. regimen morum | 4. Sittenzensor | 5. Sitten-Gerichtsbarkeit |
| 6. lex naturalis | 7. recta ratio | 8. tacitus consensus populi | 9. longa consuetudine inveterans | |
| 10. consuetudines gentium | | 11. inclinationem naturalem vel quasi naturalem ad aliquid agendum | | |
| 12. habitus boni vel mali in appetitu cum ratione sive contra rationem | | | 13. principia decori | |
| 14. Politica | 15. decorum | 16. iustum | 17. honestum | 18. praecepta decori |
| 19. praecepta honesti | | 20. praecepta iusti | | |